

سیاست پایان باز آمریکایی یا ایرانی؟



کیبومر اشتریان

۱- تصمیم درباره جنگ کنونی با سرنوشت ۹۰ میلیون ایرانی و نسل‌های آینده گره می‌خورد و بلکه در مواردی سرنوشت جهان را تعیین می‌کند. از این‌رو گفت‌وگو درباره جنگ باید با حداکثر احتیاط، فروتنانه و مبتنی بر شواهد صورت گیرد تا مبنایی برای تصمیم‌های ارزشی باشد. گروهی معتقدند که باید احتیاط کرد و در جنگیدن جانب احتیاط روا داشت. اینان نباید تصور کنند که طرفداران مقاومت در برابر آمریکا نسبت به سرنوشت ایران و ایرانیان بی‌توجه هستند و می‌خواهند همه چیز را فدای آرمان‌ها و ارزش‌ها کنند، بلکه ممکن است عکس آن صادق باشد و مقاومت تنها راه چاره باشد؛ چون ممکن است یک عقب‌نشینی کوچک سبلی از پیامدهای مخرب داشته باشد. گاهی احتیاط ممکن است در جنگیدن باشد، نه در جنگیدن. البته برعکس آن نیز می‌تواند صادق باشد؛ یعنی آن کس که طرفدار مذاکره است، ضرورتا تسلیم‌طلب نیست. از هوجی‌گری باید دوری گزید. برای ایجاد توازن باید همه حرف‌ها شنیده شود. یعنی هم نسبت به سبکسری حساس بود و هم نسبت به خطری که در زیر لایه‌ای از ادبیات نرم و صلح‌دوستانه آرمیده هوشیار بود؛ چون شکست و تسلیم را تئوریزه می‌کند.

۲- یک راه‌حل تحلیلی این است که از دوگانه طرفدار جنگ-طرفدار صلح گذر کرد و میان سه موضع (و نه دو موضع) تمایز گذاشت: الف- طرفداری از پایان جنگ، به هر قیمتی؛ ب- طرفداری از مذاکره برای پایان جنگ، با حفظ خطوط قرمز و ج- طرفداری از ادامه مقاومت تا دستیابی به شرایط مشخص امنیتی و سیاسی. تفکیک مفهومی-تحلیلی این سه موضع برای سیاست‌گذاری جنگ مهم است. کسی که مذاکره را ترجیح می‌دهد، لزوما خواهان تسلیم یا تجزیه نیست؛ همان‌طور که کسی که مقاومت را ضروری می‌داند، لزوما نسبت به هزینه‌های انسانی و اقتصادی آن بی‌اعتنا نیست.

یادداشت

برای حفاظت از کدام مردم؟

از مدرسه میناب تا زبان آشنای جنایت



روزبه کردونی

پیش از آن صبح «شجره طیه» فقط یک مدرسه در میناب بود، با دیوارهای صورتی و سبز، نقاشی‌های کودکان و حیاطی که خطوط بازی هنوز روی زمینش دیده می‌شد. در یکی از فیلم‌های پیش از جنگ، دانش‌آموزان با لباس‌های فیروزه‌ای و مقنعه‌های سفید کنار معلمانشان نشستند. صبح نهم اسفند، سه موشک تاماهاوک به ساختمان و محوطه مدرسه اصابت کرد و کودکان و دانش‌آموزان به خاک و خون کشیده شدند. محله‌ای که هیت حقیقت‌یاب سازمان ملل آن را جنایت جنگی دانست. در سامانه هدف‌گیری ارتش آمریکا، شجره طیه یک نقطه نبود، روی زمین، بیش از صد کودک پشت آن نقطه نشسته بودند. چند ماه بعد، دونالد ترامپ در دفاع از جنگ و سیاست نظامی خود در برابر ایران گفت: «ما از شهرهایمان محافظت می‌کنیم؛ ما، مدعی شد اگر آمریکا وارد محافظت می‌کنیم». مدعی شد اگر آمریکا وارد عمل نمی‌شد، ایران می‌توانست لس‌آنجلس یا سن‌دیگو را هدف قرار دهد. اما «ما حمله کردیم تا جان مردممان را نجات دهیم» برای گوش تاریخ تازگی نداشت. ترامپ فقط گفت برای حفاظت از شهرهای آمریکا، بر سر مدرسه‌ای در میناب چه آمد. نه جنگ‌ها یکسان‌اند و نه مسئولیت رهبران؛ اما زبان توجیه خشونت شباهت‌های ماندگاری دارد. هیتلر پیش از حمله به لهستان در سال ۱۹۳۹، آلمانی‌تبارهای ساکن آن کشور را قربانی معرفی کرد و لهستان را تهدیدی علیه ملت آلمان خواند. دستگاه تبلیغاتی نازی حتی حمله‌ای ساختگی به یک ایستگاه رادیویی ترتیب داد تا تجاوز را پیش‌طراحی شده، دفاع از مردم جلوه کند. مهاجم لباس قربانی پوشید و جنگ آغاز شد. هری ترومن نیز پیش از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، دلیل استفاده از بمب را کوتاه‌کردن جنگ و «نجات جان هزاران هزار جوان آمریکایی» اعلام کرد. ده‌ها هزار غیرنظامی ژاپنی در چند لحظه کشته شدند؛

اما در روایت رسمی، گرفتن جان انسان ضرورتی برای حفظ جان آمریکایی‌ها بود.

یکشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۵
۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۸ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۰۳
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: رویو در راه هند و سمرقند • تأثیر سوپر ال نینو بر زنجیره غذایی در ایران • آوار بحران‌ها بر اخلاق عمومی / حامد خانجانی

«شرق» دلایل جهش ناگهانی بهای نفت تا ۱۱۰ دلار را بررسی می‌کند

نفت گرفتار سه جنگ

گزارش تیتربیک را در صفحه ۳ بخوانید



ولاکوی ضرورت بازاندیشی در سیاست خارجی و جمهوری سوم در گفت‌وگو با محمدچواد حق‌شناس

از تله تل آویوتا دیپلماسی منفعت‌محور



وزیر خارجه ایران در نشست سازمان همکاری اسلامی با تأکید بر حق ایران در دفاع از خود

ایران در دیپلماسی رانبسته است

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید. عکس: مصطفی روضکی، تهران

یادداشت

فقر با سیاست‌های ثابت مهار نمی‌شود



امیراحمدشیشه‌گر

است با بیماری، بیکاری، خشک‌سالی یا جهش هزینه مسکن به‌سرعت آسیب‌پذیر شود. در مقابل، پایگاه اطلاعاتی‌ای که دیر به‌روز می‌شود می‌تواند افراد نیازمند را حذف و منابع محدود را به کسانی اختصاص دهد که دیگر در اولویت نیستند. بانک جهانی برای مواجهه با این مسئله از مفهوم «حمایت اجتماعی تطبیقی» استفاده می‌کند: نظام حمایتی باید پیش از شوک آماده باشد، هنگام وقوع آن سریع‌گسترش یابد و پس از شوک امکان بازتنظیم داشته باشد. چهار پایه چنین نظامی عبارت‌اند از: برنامه و سازوکار اجرایی، داده و اطلاعات، تأمین مالی و ترتیبات نهادی. تجربه کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد «اقدام زودهنگام» می‌تواند فاصله میان هشدار بحران و رسیدن حمایت به خانوار را کاهش دهد. این رویکرد برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. سیاست‌های حمایتی ما غالباً در یکی از دو دام گرفتار می‌شوند: یا یک تصمیم موقت، بدون ارزیابی روشن،

یادداشت

مدیریت خردمندانه و ضرورت پذیرفتن «حرف درست»



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

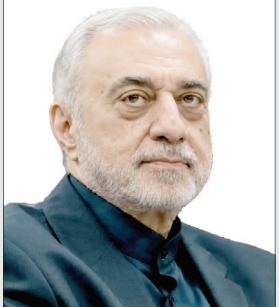
نامزددها، این سهم را به پنج درصد کاهش داد و مسئولان وقت را به بی‌غیرتی متهم کرد. گذشت زمان نشان داد که این ادعاها بسیار بی‌پایه بودند؛ زیرا دولت سیزدهم که طبعاً با کارنامه‌ی و بی‌غیرتی فاصله‌ی نجومی داشت هم توانست بهبودی جدی در شرایط اقتصادی کشور ایجاد کند. در این حوزه هم مدعیان بی‌اثر یا کم‌اثر بودن تحریم‌های ظالمانه که ادعا می‌کردند تلاش برای اصلاح فضای تعامل با جهان و کاهش فشار تحریم غیرضروری است. دیوانه نبودند؛ آنها فقط منافع جریان سیاسی خود را در گرو قبولاندن چنین ادعاهایی به افکار عمومی با حداقل جمع اندک طرفداران خود می‌دیدند.

۵- محدودکردن دسترسی شهروندان به فضای مجازی از طریق فیلترینگ یکی از حوزه‌های مهم بحث و جدل بین سخنوران بوده است. سخنوران وابسته به جریان سیاسی خاص به‌شدت از این سیاست دفاع می‌کنند و هرگز استدلال طرف مقابل در مورد بی‌فایده‌بودن و پرهزینه و به‌ویژه پرمخاطره‌بودن آن را نمی‌پذیرند. آنان هم هیچ‌گونه مستندات آماری و اطلاعات قابل ارزیابی ارائه نمی‌کنند که سیاست فیلترینگ در چند دهه گذشته چه دستاوردی داشته و کدام

مشکل امنیتی یا فرهنگی کشور را حل کرده است. همچنین هرگز توجهی به این نکته نمی‌کنند که برندگان این بازی که از طریق فروش فیلترشکن درآمدهای میلیاردي به جیب زده‌اند، چه کسانی هستند. اینان را هم که حرف درست منتقدان را نمی‌پذیرند و به‌اصطلاح از خر شیطان پیاده نمی‌شوند، هرگز نمی‌توان متهم به دیوانگی کرد.

مهرداد اخلاقی کتابچی در آستانه وزارت دفاع؛ از مدیریت صنایع هوافضا تا بررسی صلاحیت در بهارستان

وزارت دفاع در انتظار رأی مجلس



برگزیده‌ها

روایت رئیس تالار تشریح پزشک قانونی تهران از روزهای شناسایی قربانیان جنگ در گفت‌وگوی تفصیلی با «شرق»

اولین مواجهه با پیکرها تکان‌دهنده است

تعلیق تحریم‌های روسیه با اختلال در هشدارهای موشکی و ارتباطات ماهواره‌ای اوکراین همراه شد

هدیه ترامپ به پوتین

گزارش میدانی «شرق» از تحول در روستایی که مرگ مادران باردار قصه همیشگی‌اش بود

چراغی برای روستای شیخ‌دلگان

روایتی از روزهای جنگ، قطعی اینترنت و تلاش برای قصه تعریف‌کردن برای بچه‌ها

قصه به جای جنگ کنار نام ایران

نگاه

دولت به مردم بدهکار است

بادداشتی از محمدحسین صفایی

یادداشت

فقر ذهنی یا فقر عینی



سیدجوادجمالی

کارشناس اقتصادی

فردی را در نظر بگیرید که از اختلال حرکتی رنج می‌برد؛ یعنی اندام حرکتی او ناتوان بوده و فرد از این ناحیه دچار ضعف است. فرد مذکور نیازمند دریافت کمک است تا بتواند بسر نتوانی خود غلبه کند. مثلاً محتاج داشتن صندلی چرخ‌دار است تا از این طریق قادر باشد تا حدی بر ضعف و درماندگی ناشی از معلولیت حرکتی خود فائق آید. نداشتن صندلی چرخ‌دار باعث کاهش رفاه و رضایت فرد از زندگی می‌شود. شرایطی را تصور کنید که شخص مذکور بضائع مالی کافی را برای خرید صندلی چرخ‌دار نداشته باشد و از روی اجبار، ناگزیر باید خود را با زندگی بدون ویلچر تطبیق دهد. آمارتایسن، برنده جایزه نوبل اقتصاد، در کتاب «کیفیت زندگی» بیان می‌کند که شخص نام برده از طریق تطابق خود با شرایط جسمانی که دارد، در تلاش است از رنج و اندوه ناشی از معلولیت بکاهد؛ اما سازگاری او با وضعیت موجود به معنای نفی واقعیت و نفی مشکل حرکتی فرد نیست. آمارتایسن می‌افزاید آن شخص تلاش کرده است به لحاظ ذهنی، مشکل حرکتی خود را کم‌اهمیت جلوه دهد، ولی در واقعیت مشکل همچنان پابرجاست. به عبارتی، فرد مذکور دچار معلولیت عینی و واقعی است، هرچند به لحاظ ذهنی خود را تسکین داده باشد یا اینکه فرد معلول اصالتاً روحیه‌ای شاد داشته باشد و این روحیه شاد به او کمک کند تا رنج کمتری از این کمبود احساس کند. ممکن است شخص انتظارات خود را با وضعیت خویش تنظیم کرده باشد. اینکه چنین شخصی آموخته است با مصائب و رنج زندگی کند ولی با شجاعت به آن لبخند بزند، نفی‌کننده واقعیت موضوع نیست. در مسائل اقتصادی نیز موارد مشابهی را می‌توان مطرح کرد. شخصی را در نظر بگیرید که با انبوهی از مشکلات زندگی مواجه است، درآمزش کفاف هزینه‌های زندگی او را نمی‌دهد و هزینه بالای خوراک، پوشاک، اجاره مسکن، هزینه درمان و... باعث استیصال او شده است.

۴۳
ادامه‌در صفحه ۴

۴۳
ادامه‌در صفحه ۴